

## صبح امروز



۳  
۸  
۱۴۰۳

ورود ۳.۵ میلیون گردشگر  
خارجی به ایران

هشدار محسن غرویان درباره «اتاق وضعیت حجاب»؛

# به جز تشنج و تنش نتیجه‌ای ندارد

## گزارش

### بانکداری به سبک انصاری از بانک خصوصی متخلف تا چاپخانه پول ملی



روایت شکل‌گیری بانک تات، به روشنی الگوی مسلط بر سال‌های بعد را نشان می‌دهد: سرمایه اولیه مسئله‌دار بود و مؤسسان تات متهم بودند سرمایه لازم را به‌طور کامل و نقدی ارائه نکرده‌اند؛ روایت‌ها از اعلام سرمایه‌های در مقیاس «یک‌دهم حد قانونی» و عمدتاً مبتنی بر وثایق ملکی و نه پولی حکایت داشت؛

## گزارش

### علی درستکار، مجری و کارشناس با سابقه رسانه مطرح کرد: رفتار متفاوت صداوسیما در برابر رفتار مجریانش



تلویزیون ایران در تلاش برای بازسازی رابطه خود با مخاطب، به نقطه‌ای رسیده است که گاه مرز میان خلاقیت و بی‌قاعدگی در رفتار برخی مجریانش محو می‌شود. علی درستکار، مجری و کارشناس با سابقه رسانه، در گفت‌وگو با خبرنگاران از تغییر معیارهای انتخاب مجری، فراموشی ارزش‌های قدیمی و ضرورت بازخوانی مفهوم «استاندارد» در روزگار جدید گفت.



بخش خصوصی در نشست منطقه‌ای دیپلماسی استانی درخواست کرد:

## رفع تحریم‌های داخلی

## گزارش

### رودخانه‌خواری یا توسعه گردشگری؟ آقای پزشک‌یان! وعده‌های محیط‌زیستی چه شد؟



یک استاد دانشگاه می‌گوید: «رودخانه یک محیط پویا و بستر آن مرتب در حال تغییر است. ایجاد تأسیسات گردشگری در ساحل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ضمن به هم زدن مسیر و بستر، زمینه رخداد حوادثی مانند سیل‌های ۱۳۸۸ قم و ۱۳۹۸ شیراز را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین نکات که در گزارش «کمیت ملی سیلاب‌ها» آمده است، جلوگیری از ساخت‌وساز در اطراف پیکره‌های آبی است.»

## پاکستان مجری کدام برنامه است؟

# رعب مهندسی شده در آسمان کابل

بخشی از روند پیچیده‌ای برای اغفال و مهار صف‌آرایی چین، روسیه، ایران و به‌ویژه هند است. از نگاه اسلام‌آباد، واکنش به اقدامات هند از دعوت امیرخان متقی تا بازگشایی مأموریت دیپلماتیک در کابل ضرورتی ژئوپلیتیکی یافته است. پاکستان با این حملات، در واقع پیامی چندلایه صادر کرد که فراتر از مرزها معنا می‌یابد.

اعتبار موقعیت استراتژیک کابل و اهمیت ژئوپلیتیکی هندوکش‌ها مطرح شده است. در دل این معادله، پایگاه بگرام همچنان به عنوان رکن اصلی سیاست امنیتی محور شرق و غرب باقی مانده است. با این حال، به محض تغییر شرایط، تنها موقعیت کابل در محاسبه شرق باقی خواهد ماند، نه طالبان و نه هیچ یک از بازیگران محلی. حملات اخیر پاکستان بر اهداف خاص در کابل، تاکتیکی امنیتی و

هشدارآمیز خود را به هند صادر کرد. این هشدار، نه تنها در امتداد رقابت‌های دیرینه هند و پاکستان معنا می‌یابد، بلکه می‌تواند در آینده با عین سناریو توسط هواپیماهای بی‌سرنشین امریکایی علیه دیگر مناطق نیز اجرا شود. در منطقه، روندی در حال شکل‌گیری است که هدف آن ایجاد منظومه‌ی جدید امنیتی با مشارکت ضمنی طالبان است. هم‌پیمانی طالبان در این منظومه، صرفاً به

در چارچوب یک برنامه درازمدت فرمانطقه‌ای، پاکستان در بستر ملاحظات امنیتی و منافع حیاتی خود، واکنش نشان داد. قضیه بمباران کابل، فراتر از یک تصمیم مستقل اسلام‌آباد است؛ در واقع، ایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا شبه ترس و رعب را در وجود گردن‌کشان متمایل به شرق ایجاد کند. در این راستا، پاکستان فرصت را غنیمت شمرد و به‌مثابه مجری و شریک میدانی واشینگتن، اقدام



# رعب مهندسی شده در آسمان کابل

عبدالناصر نورزاد



در چارچوب یک برنامه درازمدت فرماندهی، پاکستان در بستر ملاحظات امنیتی و منافع حیاتی خود، واکنش نشان داد. قضیه بمباران کابل، فراتر از یک تصمیم مستقل اسلام‌آباد است؛ در واقع، ایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا شبه ترس و رعب را در وجود گردن‌کشان متمایل به شرق ایجاد کند. در این راستا، پاکستان فرصت را غنیمت شمرد و به منابه مجری و شریک میدانی واشینگتن، اقدام هشدارآمیز خود را به هند صادر کرد. این هشدار، نه تنها در امتداد رقابت‌های دیرینه هند و پاکستان معنا می‌یابد، بلکه می‌تواند در آینده با عین سنساریو توسط هواپیماهای بی‌سرنشین امریکایی علیه دیگر مناطق نیز اجرا شود.

در منطقه، روندی در حال شکل‌گیری است که هدف آن ایجاد منظومه‌ی جدید امنیتی با مشارکت ضمنی طالبان است. هم‌پیمانی طالبان در این منظومه، صرفاً به اعتبار موقعیت استراتژیک کابل و اهمیت ژئوپلیتیکی هندوکش‌ها مطرح شده است. در دل این معادله، پایگاه بگرام همچنان به عنوان رکن اصلی سیاست امنیتی محور شرق و غرب باقی مانده است. با این حال، به محض تغییر شرایط، تنها موقعیت کابل در محاسبه شرق باقی خواهد ماند، نه طالبان و نه هیچ یک از بازیگران محلی.

حملات اخیر پاکستان بر اهداف خاص در کابل، تاکتیکی امنیتی و بخشی از روند پیچیده‌ای برای اغفال و مهار صف‌آرایی چین، روسیه، ایران و به‌ویژه هند است. از نگاه اسلام‌آباد، واکنش به اقدامات هند از دعوت امیرخان متقی تا بازگشایی مأموریت دیپلماتیک در کابل ضرورتی ژئوپلیتیکی یافته است. پاکستان با این حملات، در واقع

امنیتی واشینگتن و میدانی آسیای جنوبی بدل ساخته است.

پنجم، بی‌اعتبارسازی طالبان در برابر منطقه. طالبان چهار سال با اطمینان ادعا کردند که از خاک افغانستان هیچ کشوری تهدید نخواهد شد. اما حالا با هدف‌گیری رهبران تحریک طالبان پاکستانی، این ادعا فروپاشیده است. پس از مرگ ایمن‌الظواهری، اکنون رهبران سایر گروه‌های خارجی نیز در معرض هدف قرار گرفتند؛ از انصارالله تاجیکستان گرفته تا ایغورهای چینی و اعضای تحریرالشام. بدین ترتیب، طالبان در موقعیت بی‌اعتمادی کامل قرار گرفته‌اند.

ششم، هشدار به طالبان در خصوص تماس با هند. حملات اخیر پیامی پنهان به برخی رهبران طالبان است که به‌طور مصلحتی با هند در تماس‌اند. پاکستان هشدار می‌دهد که افغانستان حاصل چهل سال سرمایه‌گذاری امنیتی اسلام‌آباد است و هیچ قدرتی اجازه ندارد این میدان را با هند شریک شود. این هشدار، مرزهای جدید رقابت اطلاعاتی و امنیتی را در درون طالبان ترسیم می‌کند.

هفتم، نمایش قدرت سخت‌افزاری در کنار تهدید نرم. اسلام‌آباد نشان داد که همان‌گونه که توانایی خلق و تجهیز گروه‌های نیابتی را دارد، قادر است هر نوع سرکشی احتمالی را نیز با قدرت سخت‌افزاری سرکوب کند. این اقدام، هم پیام به طالبان است و هم به رقبا: پاکستان ابزار کنترل خود را از دست نداده است.

هشتم، بازتثبیت فضای اقتدار در ذهنیت عمومی. پاکستان با این مانور نظامی، نه تنها طالبان، بلکه افکار عمومی افغانستان و منطقه را هدف گرفت. هدف، تثبیت تصور اقتدار و نفوذ در ذهنیت جمعی است. این همان چیزی است که امریکا می‌خواهد؛

است بر گمانه‌زنی‌هایی که قدرت بازیگری اسلام‌آباد را در بحران با تحریک طالبان پاکستان (TTP) زیر سؤال برده بود. سوم، ائتلاف عربستان-پاکستان در برابر نفوذ ایران. روابط نوین عربستان سعودی و پاکستان در بستر بحران افغانستان، واکنشی است به نفوذ غیرقابل مهار تهران در این میدان. در واقع، اسلام‌آباد با هماهنگی ریاض، می‌کوشد محور سنی را در برابر قدرت نرم شیعی ایران بازسازی کند. این همکاری، بخشی از معادله بزرگ‌تر رقابت ایدئولوژیک و امنیتی در جغرافیای افغانستان است. چهارم، انتقال پیام غرب به منطقه از مجرای اسلام‌آباد. غرب و به‌ویژه امریکا از اسلام‌آباد به عنوان خط ارتباطی و کانال پیام‌رسان به منطقه استفاده می‌کنند. پیامی روشن: بدون پاکستان، هیچ نیروی غربی توان مداخله مؤثر در کابل را ندارد. این نقش، جایگاه پاکستان را در نقشه جدید مداخله نرم غرب تثبیت کرده و آن را به پل واسط میان سیاست‌های نظامی و

پیامی چندلایه صادر کرد که فراتر از مرزها معنا می‌یابد.

نخست، بازسازی نقش واکنشی اسلام‌آباد در چارچوب امنیت فرماندهی بود. نشان داد که کاروان‌های نامشخص در کابل، نشان داد که اسلام‌آباد هنوز ابزار عملیاتی قابل اعتماد غرب در منطقه است. پاکستان با نمایش قدرت ترکیبی نظامی و اطلاعاتی خود، به امریکا ثابت کرد که همچنان در صحنه «مدیریت از راه دور» در افغانستان جایگاه دارد. این حملات در حقیقت بخشی از نمایش قدرت مشترک واشینگتن-اسلام‌آباد برای حفظ میدان تأثیرگذاری در کابل است. دوم، بازتثبیت موقعیت پاکستان به عنوان قربانی تروریسم. در شرایطی که افکار عمومی منطقه‌ای، پاکستان را به پرورش گروه‌های تروریستی متهم می‌کند، این کشور با حملات اخیر می‌خواهد چهره‌ای جدید از خود بسازد؛ چهره‌ای که گویا قربانی تروریسم است و مستحق همدردی و حمایت بین‌المللی. این اقدام در واقع نقطه پایانی

## دیپلماسی انتخاب‌میز

# چرا ایران در اجلاس شرم‌الشیخ شرکت نکرد؟

عرب بود، نه یافتن راه‌حلی برای بحران. نگاه ایران بر اساس همین ارزشیابی‌ها، تصمیم به عدم حضور نه از سر بی‌تفاوتی، بلکه از منظر پرهیز از همراهی با روندی گرفته شد که از ابتدا فاقد توازن و صداقت تلقی می‌شد. تهران در مواضع رسمی خود بارها اعلام کرده است که صلح در منطقه تنها زمانی معنا دارد که بر عدالت، رفع اشغال و احترام به اراده مردم فلسطین استوار باشد.

از نگاه سیاست خارجی ایران، حضور در نشست‌هایی که این اصول را نادیده می‌گیرند، به حل بحران کمکی نمی‌کند. حضور فعال در اجلاس عدم تعهد از سوی دیگر، در مقابل غیبت در شرم‌الشیخ، ایران در اجلاس اخیر جنبش عدم تعهد حضوری فعال و تأثیرگذار

داشت. در این نشست که با مشارکت بیش از ۱۲۰ کشور برگزار شد، هیئت ایرانی نقشی محوری در شکل‌گیری بیانیه نهایی ایفا کرد؛ بیانیه‌ای که نه تنها بر حق ملت فلسطین برای مقاومت و تشکیل دولت مستقل تأکید داشت، بلکه اقدام یک‌جانبه غرب برای تمدید محدودیت‌های قطعنامه ۲۳۳۱ را نیز فاقد مشروعیت دانست. این هم‌زمانی، معنای سیاسی مهمی دارد: تهران با پرهیز از شرکت در نشست‌هایی که در خدمت حفظ وضع موجود هستند، و تمرکز بر مجامعی که صدای جهان غیرغربی را نمایندگی می‌کنند، در حال بازتعریف جایگاه خود در نظام بین‌الملل است.

حضور فعال در جنبش عدم تعهد و همراهی با کشورهای جنوب جهانی، وجه دیگر همان سیاستی است که در شرم‌الشیخ به شکل عدم حضور ظاهر شد. سیاستی مبتنی بر انتخاب هدفمند میدان‌های دیپلماتیک، نه صرفاً نمایش حضور. در نهایت، تصمیم ایران برای شرکت نکردن در اجلاس شرم‌الشیخ را باید در کنار حضور پرتنش در نشست عدم تعهد دید؛ دو رخدادی که در ظاهر متضاد، اما در واقع مکمل یکدیگرند. این الگو نشان می‌دهد تهران در سیاست خارجی خود به‌دنبال تأثیرگذاری واقعی در روندهای بین‌المللی است، نه حضور نمادین در صحنه‌هایی که نتیجه‌شان از پیش تعیین شده است.

عرب بود، نه یافتن راه‌حلی برای بحران. نگاه ایران بر اساس همین ارزشیابی‌ها، تصمیم به عدم حضور نه از سر بی‌تفاوتی، بلکه از منظر پرهیز از همراهی با روندی گرفته شد که از ابتدا فاقد توازن و صداقت تلقی می‌شد. تهران در مواضع رسمی خود بارها اعلام کرده است که صلح در منطقه تنها زمانی معنا دارد که بر عدالت، رفع اشغال و احترام به اراده مردم فلسطین استوار باشد.



شرم‌الشیخ در حالی برگزار شد که هم‌زمان، حملات اسرائیل به غزه ادامه داشت و هیچ‌کدام از بیانیه‌های نشست محکومیت صریح این حملات را شامل نمی‌شد. این مسئله از دید تهران نشانه‌ای از جهت‌گیری یک‌سویه اجلاس تلقی شد. بسیاری از تحلیلگران منطقه‌ای نیز بر این باورند که هدف واقعی نشست، مدیریت تبعات جنگ برای رژیم صهیونیستی و ترسیم چهره سیاسی آمریکا در جهان

تشکیل دولت مستقل، عملاً به حاشیه رانده شده است.

زمینه تصمیم تهران ایران در سال‌های اخیر، در مواجهه با نشست‌های چندجانبه‌ای که با مدیریت واشینگتن برگزار می‌شوند، رویکردی انتخابی در پیش گرفته است. سیاست تهران بر مشارکت در گفت‌وگوهای است که تصمیم‌سازی واقعی در آن انجام می‌شود؛ نمونه‌اش همکاری فعال با بریکس، سازمان شانگهای و جنبش عدم‌تعهد است.

در مورد شرم‌الشیخ نیز، منابع نزدیک به دستگاه دیپلماسی می‌گویند که بررسی‌های کارشناسی نشان داده بود چارچوب این نشست نه تنها پاسخگوی بحران انسانی در غزه نیست، بلکه ممکن است به بازتولید فشارهای سیاسی علیه کشورهای منتقد اسرائیل، از جمله ایران، منجر شود. فاصله میان عنوان و واقعیت اجلاس

فاطمه نوری راد

در حالی که بسیاری از کشورها در اجلاس شرم‌الشیخ مصر دربارہ آتش‌بس غزه شرکت کردند، غیبت ایران در این نشست پرسش‌هایی را برانگیخت. بررسی زمینه‌های سیاسی، موضع‌گیری مسئولان سیاست خارجی و محتوای این اجلاس نشان می‌دهد که تصمیم تهران بر پایه‌ی تحلیل دقیق از ساختار و اهداف نشست گرفته شده است.

## نشست شرم‌الشیخ؛ از آتش‌بس تا بازسازی تصویر سیاسی

اجلاس شرم‌الشیخ مصر که با عنوان «آتش‌بس فوری در غزه» برگزار شد، در عمل بیش از آنکه تلاشی برای توقف واقعی جنگ باشد، به صحنه‌ای برای بازسازی طرح‌های سیاسی آمریکا در منطقه شباهت داشت.

محور اصلی گفت‌وگوها نه درباره رفع محاصره یا بازسازی غزه، بلکه درباره چگونگی بازگشت روند موسوم به «طرح ابراهیم» بود. روندی که بر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و بازتعریف توازن قوا در خاورمیانه استوار است. از نگاه تحلیلگران، حضور در چنین اجلاسی می‌توانست ناخواسته به معنای پذیرش چارچوبی تلقی شود که در آن، مسئله اصلی فلسطین یعنی پایان اشغال و

# بانکداری به سبک انصاری از بانک خصوصی متخلف تا چاپخانه پول ملی



سرمایه‌گذاری‌های ملکی ارزیابی‌پذیر، تا ادغام قهری و جذب سپرده عظیم، تا خلق پول از پنجره تنبیهی و پروژه ایران‌مال به‌عنوان ماشین مهندسی ترازنامه، همه حلقه‌های یک زنجیره‌اند. امروز انحلال با فرمان قضایی، اعتراف است به شکست حکمرانی نظارتی؛ اما می‌تواند نقطه آغاز باشد، اگر و فقط اگر هزینه‌ها در همان جایی تسویه شوند که منافع انباشته شده بود.

گر این‌بار نیز «ادغام» فقط جابجایی بار باشد، ما یک ورشکستگی خصوصی را به ورشکستگی ملی‌شده تبدیل کرده‌ایم. مدل بانک آینده، فقط نام یک فرد نیست؛ الگوی یک اقتصاد سیاسی است. اصلاح این الگو، یعنی پایان دادن به بانکداری ملکی، معاملات درون‌گرومی پوشاننده زبان، و خلق پول برای پروژه‌های ویتربینی. در غیر این صورت، «آینده‌ای دیگر، به شکلی دیگر، دوباره فرو می‌ریزد و هزینه‌اش، باز هم از جیب مردم پرداخت خواهد شد.

## کسب و کار مدل فابریزی در ابعاد ملی

### پیش‌روی بانک آینده

سال‌ها پیش، آلبرت هوسون در نمایشنامه‌ای با عنوان «کسب‌وکار آقای فابریزی»، مردی را تصویر کرد که به همه لیخند می‌زند، به هر کس بخواهد وام می‌دهد و در عوض به سپرده‌گذارانش سودی می‌دهد که هیچ عقل اقتصادی باورش نمی‌کند.

رئیس پلیس به او شک می‌کند، بازرس از پایتخت می‌آید، اما فابریزی دفتر حساب‌هایش را نشان نمی‌دهد؛ تا روزی که بازی فرو می‌ریزد و روشن می‌شود «مهربانی اقتصادی» او چیزی جز یک سازوکار کلاهبرداری ساختاری نبوده است. حالا این‌کار همان نمایشنامه، در بانک آینده بازنویسی شده است. احتمالاً نیز در نقش فابریزی، علی انصاری ایستاده؛ مردی که در ظاهر با بانک مدرنش می‌خواست به اقتصاد ایران جان تازه‌ای بدهد.

پس سپرده‌گذاران را با سودهای بالا جذب کرد، پروژه‌هایی ساخت که ظاهرشان خیره‌کننده بود، و در هر بحران، با وعده «شفافیت و توسعه» دفترهایش را بست.

اما در پشت‌صحنه، همان معادله معکوس فابریزی جریان داشت: وام‌هایی با بازده اندک، سودهایی با نرخ‌های نجومی و ترازنامه‌هایی که هر سال با عددسازی و معاملات درون‌گرومی سرپا نگه داشته می‌شدند.

اگر فابریزی در نمایش هوسون پول را از مردم می‌گرفت تا «اعتماد» بخرد، بانک آینده پول را از مردم گرفت تا «زمان» بخرد؛ زمان برای پنهان کردن زبان‌ها، برای ساختن ایران‌مال، برای حفظ چهره‌ای که دیگر واقعی نبود.

فابریزی نمایش، در پایان بازخواست شد؛ اما در اقتصاد واقعی ایران، بازرس‌ها دیر رسیدند. حساب و کتاب دفتر بانک آینده، درست مثل دفترهای فابریزی، سال‌ها بسته ماند و ارقامش فقط روی کاغذ معنا داشت و وقتی بالاخره باز شد، مردم فهمیدند همان سودی که سال‌ها دریافت کرده بودند، از جیب خودشان و از طریق تورم بازپرداخت شده است.

در تئاتر، پرده آخر با سکوت تماشاگر تمام می‌شود. در بانک آینده، پرده آخر هنوز روی صحنه است. با تابلویی که به‌زودی پایین می‌آید و نامش را بانک ملی جایگزین می‌کند، بانک آینده، همان کسب‌وکار آقای فابریزی بود؛ فقط با دفترهای بزرگ‌تر و خسارتی ملی‌تر.

می‌آرد، پس ما هم ورشکسته نیستیم! هم‌زمان، نسبت‌های تمرکزی، اما به اوج رسید: تا آذر ۱۴۰۱ بیش از ۶۲٪ تسهیلات کلان بانک به اشخاص مرتبط اعطا شده بود؛ و ارزش ۴۳ فقره ملک بانک، بیش از ۲۴۵ هزار میلیارد تومان ارزیابی شد، عددی تقریباً ۴ برابر کل تسهیلات شبکه بانکی برای ساخت مسکن مردم در برخی سرفصل‌های حمایتی دو سال اخیر. به‌بیان روشن: بانک آینده، بانک مسکن مردم نبود؛ بانک املاک خودش بود.

## صورت‌حساب اجتماعی از دارایی‌های

### ملکی تا تورم خانگی

نظام بانکی وقتی از واسطه‌گری سالم خارج می‌شود و به ملاک عظیم بدل می‌شود، هزینه‌اش فقط در «ترازنامه‌ها» نیست؛ در سبب خرید خانواده‌هاست. بانک آینده با جذب سپرده گران، تسهیلات به خودی‌ها، اضافه‌برداشت سنگین و بازی ارزیابی املاک، به تورم ساختاری دامن زد.

تورمی که در نهایت، قدرت خرید طبقه متوسط و فقیر را فرسود و اعتماد به پول ملی را سست کرد. این همان جایی است که ادغام بدون اصلاح نهادی، فقط ملی‌سازی زبان است، نه حل بحران.

## نقش نهادها و تعارض منافع

اما همواره در این سال‌ها یک پرسش جدی مطرح بوده است؛ چرا نظارت‌ها عمل نکرد؟ به گزارش اقتصاد ۲۴، اما پاسخ رسمی ممکن است به «پیچیدگی حقوقی دارایی‌ها»، «ترس از بانیک» و «لرزم هماهنگی بین‌نهادی» اشاره کند؛ اما واقعیت این است که اقتدار نظارت پولی در برابر شبکه قدرت-سرمایه ناکافی بود. شورای پول و اعتبار با ترکیب سیاست‌زده، بانک مرکزی با ابزارهای ناکافی و دیرهنگام، ملاحظات سیاسی پیرامون پروژه‌های ویتربینی — همه دست‌به‌دست داد تا «مداخله به‌هنگام» قربانی شود. نتیجه، بزرگ‌شدن صورت‌مسئله و امروز، انتقال آن به بانک ملی است.

پرونده‌های فرعی، اما معنادار از هتل روتانا، وام‌های درون‌حلقه‌ای، شناسایی سود موهوم در کنار ایران‌مال، پروژه‌هایی، چون هتل لوکس روتانا و شرکت‌های ساختمانی وابسته، همان منطق را تکرار کردند: تمرکز اعتباری، نقدشوندگی پایین و بازده طولانی‌مدت. هیأت‌مدیره اسبق در سال مالی ۱۳۹۴ با فروش صوری ایران‌مال و یک شرکت دیگر به زیرمجموعه‌ها و اخذ پیش‌پرداخت به‌عنوان درآمد، سود موهوم شناسایی کرد — روایتی که در سال‌های بعد با «ارزیابی مجدد» تکرار شد. پرسش اساسی باقی است: چند بار می‌توان یک ملک را فروخت، بازخرد، تجدید ارزیابی و دوباره فروخت تا صورت‌های مالی «خوب» به‌نظر برسند؟

## سناریوهای ادغام و ریسک‌های پنهان

### چیست؟

اما با انتقال تعهدات به بانک ملی، سه خطر باید جدی گرفته شود: سرریز ریسک نقدینگی: تضمین سپرده‌ها بدون تزریق منابع جبرانی واقعی، فشار نقدینگی را از «آینده» به «ملی» منتقل می‌کند؛ اگر بانک ملی ناچار به فروش «دارایی‌های سمی» با تخفیف شود، زیان دفتری به زیان تحقق‌یافته تبدیل می‌شود. تکانه اعتباری: مطالبات مشکوک‌الوصول و املاک ارزیابی‌شده بیش‌ازحد، سرمایه نظارتی بانک مقصد را می‌فرساید و توان اعتباردهی به بخش‌های مولد را محدود می‌کند. اخلاقی‌سازی خطا: اگر سهام‌داران و مدیران ذی‌نفع بدون «تحمل هزینه» از صحنه خارج شوند و بار به بودجه عمومی منتقل شود، پیام به بازار روشن است: ریسک خصوصی، پاداش عمومی.

## پایان یک بانک، یا آغاز یک اصلاح؟

اما در این بین باید به یک نکته حیاتی توجه کرد که: بانک آینده «منحرف» نشد؛ با «مدلی منحرف» آغاز شد. از بانک تات و

در پروژه‌هایی مثل ایران‌مال قفل شد، با اصلاً بازنگشت.

وقتی درآمد بانک از بازگشت تسهیلات کمتر از سودی شد که باید به سپرده‌ها بدهد، ترازها به هم ریخت. بانک برای پرداخت سود، به جای درآمد واقعی، شروع کرد به قرض گرفتن از بانک مرکزی. در زبان ساده یعنی از حسابش در بانک مرکزی پول برداشت کرد، حتی وقتی موجودی نداشت.

بانک مرکزی هم برای پوشش این کسری، پول جدید به سیستم تزریق کرد؛ پولی که از هیچ جا نیامده بود، فقط با چند عدد روی صفحه حسابداری خلق شد.

این همان نقطه‌ای است که یک خطای بانکی تبدیل می‌شود به مشکل ملی. چون پولی که از هوا ساخته می‌شود، بی‌رنگ وارد اقتصاد می‌شود، حجم نقدینگی را بالا می‌برد و در نهایت قیمت‌ها را شعله‌ور می‌کند.

## ایران‌مال؛ کلید پرورده فساد در بانک

### آینده

اما ماجرای افتضاحات بانکداری، بانک آینده به همین جا ختم نمی‌شد و یک پروژه ویرانگر دیگر را باید ایران مال دانست.

ارتباط بانک آینده با پروژه «ایران‌مال» - از دل تاریخچه شرکت سیراف (۱۳۸۳) تا تغییر نام به «بازار بین‌الملل آینده» (۱۳۹۴) و سپس «توسعه بین‌الملل ایران‌مال» - نقشه راه فهم مدل انصاری است.

## در این میان، اما شواهد عددی بسیار مهم هستند

وام‌های کلان ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶: فقط در این فاصله، ۳۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات به ایران‌مال تخصیص یافت؛ منابعی از سپرده‌های مردم، بدون بازگشت جریان نقدی متناظر. نامه جنجالی مربوط ۸ مرداد ۱۳۹۹: در این تاریخ بدهی ایران‌مال به بانک آینده ۳۲،۲۳۰ میلیارد تومان اعلام شد؛ اما تسویه چگونه؟ با تملیک ۹۸٪ سهام ایران‌مال به بانک؛ یعنی پول نقد برنگشت؛ بلکه ملک و مالکیت یک بنا بود که به بانک رسید.

فروش بزرگ روی کاغذ: از سوی دیگر آذر ۱۳۹۹ بانک، ۱۰٪ سهام ایران‌مال را به «ارزش ۸۵ هزار میلیارد تومان» به فروش گذاشت؛ رقمی بسیار فراتر از برآوردهای واقع‌بینانه خریداران چه کسانی بودند؟ عمدتاً شرکت‌های کاغذی و درون‌گرومی خود بانک آینده!

تخلف معاملات درون‌گرومی و ارزیابی مجدد: نمونه شاخص این‌واگذاری‌ها نیز، واگذاری «۳۵» به شرکت «حامی کیان‌سازه» (از زیرمجموعه‌های خود بانک) با سازوکار پرداخت و جا به جایی با سهام بود. نتیجه این که باز هم هیچ پول تازه‌ای وارد بانک نشد، اما ارزش دفتری دارایی بالا رفت و زیان انباشته موقتاً «پوشش» داده شد.

اساساً در سال ۱۳۹۹ بود که مهر گزارش داد که بانک آینده به ادعان کارشناسان، از ابتدا هم با هدف خلق نقدینگی برای ساخت «ایران‌مال» و ایجاد منافع خاص، برای عده‌ای معدود تأسیس شد و ظاهراً قصد واگذاری ۳۵ درصد از سهام این مجموعه را داشت، اما اکنون خبر رسیده، برنده مزایده یکی از شرکت‌های زیرمجموعه خود بانک است. در همین حال شرکت «حامی کیان‌سازه» که برنده این مزایده به ارزش حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان شده است، ریاست هیئت مدیره‌اش را شرکت «مسکن سازان بهشت پویا» برعهده دارد. شرکت «مسکن سازان بهشت پویا» از شرکت‌های زیرمجموعه بانک آینده است که سال گذشته ۲۸ شرکت بدهکار به بانک آینده نیز در آن ادغام شدند.

در این الگو، ایران‌مال «دارایی ارزیابی‌پذیر» بود؛ ابزاری برای خلق سود موهوم، پنهان‌سازی زیان واقعی و تزریق اعتماد ظاهری به صورت‌های مالی. حتی افشای «ارزش ۲۵۵ هزار میلیارد تومانی» در اردیبهشت، به‌جای پاسخ‌گویی، اهرم فشار رسانه-مقرراتی برای بهبود کفایت سرمایه روی کاغذ شد: اگر بپذیرید که ایران‌مال این قدر

پوسته‌ای بزرگ‌تر پنهان کرد.

اما باید توجه کرد که این فصل، فقط یک تاریخچه خوانی نیست؛ بلکه درک یک مدل خطرناک در سیستم بانکداری ایران است. تأسیس بانکی بر پایه ارزیابی‌های ملکی، شبکه شرکت‌های وابسته و استفاده از مجوز بانکی به‌عنوان چاپخانه نقدینگی برای پروژه‌های درون‌گرومی.

از همین‌جا، ریسک تمرکز، تعارض منافع و مهندسی صورت‌های مالی به هسته کسب‌وکار بدل شد.

شاید اگر همان زمان، در سال ۱۳۹۰ و در همان مرحله انحلال و ادغام بانک تات به تخلفات ویرانگر این بانک و موسس و سهامدار اصلی اش توجه و رسیدگی قضایی می‌شد اکنون با چنین وضعیت عجیب و پیچیده‌ای در مورد بانک آینده مواجه نشده بودیم.

## تولد بانک آینده؛ بزرگ از روز اول و

### شکستنده در بنیان

اما در نهایت بانک آینده در سال ۱۳۹۱ با ادغام قهری بانک تات و دو مؤسسه صالحین و آتی پا گرفت. شگفتی زمان تأسیس این بود که بیش از ۱۲۲ هزار میلیارد تومان سپرده جذب کرده بود؛ رقمی معادل حدود ۱۰ درصد کل سپرده‌های بانکی کشور در آن زمان.

این حجم‌بودن اولیه، بانک را «سیستماتیک» می‌کرد؛ یعنی هر شوکی در آینده، بالقوه اثر دومینویی بر این وضعیت داشت و همین، دست ناظر را برای تصمیم‌گیری قاطع می‌بست.

اما در سوی دیگر، صورت‌های مالی، هر سال آینه تیره‌تری شد: زیان انباشته ۹۱ هزار میلیارد تومانی، نابودی سرمایه ثبت‌شده (حدود ۱۶۰۰ میلیارد تومان) و حقوق صاحبان سهام منفی ۸۹ هزار میلیارد تومان؛ نشانه‌های کلاسیک ورشکستگی فنی. شاخص‌های احتیاطی مثل کفایت سرمایه نیز، عمیقاً منفی گزارش شد؛ اعدادی در تراز منفی ۲۶۰ تا منفی ۴۴۰ درصد که در عرف نظارتی، مستمسک اقدامات قاطع فوری است؛ اما اقدام قاطع، به تعویق افتاد.

بانکی برای خلق پول مبتنی بر اضافه‌برداشت، جنگ سپرده و فشار بر پایه پولی برای فهم «مدل آینده»، کافی است یک عدد در کنار هم بگذاریم: در ۹ ماهه ۱۴۰۱ بانک آینده ۴۲،۷ هزار میلیارد تومان سود سپرده پرداخت کرده، در حالی که درآمد تسهیلات فقط ۱۴،۶ هزار میلیارد تومان بوده است.

یعنی خالص درآمد تسهیلات و سود سپرده حدود منفی ۲۸،۲ هزار میلیارد تومان؛ بانکی که باید واسطه‌گری مالی کند، عملاً از محل جذب سپرده گران و تسهیلات کم‌بازده، زیان عملیاتی تولید می‌کرد.

برای ادامه حیات، موتور جایگزین روشن شد: اضافه‌برداشت از بانک مرکزی و بازار بین‌بانکی.

مسیر اعداد گویاست: اضافه‌برداشت از حدود چند همت در اوایل دهه ۱۳۹۰ به ۵۷ همت در پایان ۱۴۰۱، ۱۸۳ همت در پایان ۱۴۰۲ و حدود ۲۲۸ همت در پایان ۱۴۰۳ رسید؛ سهم بانک آینده از کل اضافه‌برداشت شبکه هم از حدود ۱۰-۱۱٪ به حوالی ۳۶٪ اوج گرفت.

یعنی بانک، از پنجره تنبیهی بانک مرکزی و منابع بین‌بانکی، کسری مدل کسب‌وکار را جبران می‌کرد و فشار آن را به پایه پولی و در نتیجه تورم منتقل می‌ساخت.

این همان جایی است که یک پرونده حقوقی - شرکتی، به مسئله‌ای اقتصاد کلان تبدیل شد: خلق نقدینگی برای سرپا نگه‌داشتن ترازنامه‌های ظاهرآمتوازن.

به زبان بسیار ساده تصور کنید بانکی که باید سپرده‌های مردم را جمع کند و به تولید و کسب‌وکار وام بدهد، خودش تبدیل شود به یک کارخانه چاپ پول و بانک آینده دقیقاً همین کار را کرد.

این بانک، برای جذب سپرده بیشتر، سودهای نجومی وعده داد؛ نرخ‌هایی بالاتر از بقیه، تا سپرده‌گذاران از هر گوشه کشور پولشان را به «آینده» بسپارند. اما پشت این سودها هیچ بازده واقعی‌ای نبود؛ وام‌هایی که پرداخت شده بود، یا

روایت شکل‌گیری بانک تات، به‌روشنی الگوی مسلط بر سال‌های بعد را نشان می‌دهد: سرمایه اولیه مسئله‌دار بود و مؤسسان تات متهم بودند سرمایه لازم را به‌طور کامل و نقدی ارائه نکرده‌اند؛ روایت‌ها از اعلام سرمایه‌ای در مقیاس «یک‌دهم حد قانونی» و عمدتاً مبتنی بر وثایق ملکی و نه پولی حکایت داشت؛ یعنی از همان ابتدا، «بانک» با دارایی‌های غیرنقد و ارزیابی‌پذیر روی کاغذ، به میدان آمد.

له گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- انحلال بانک آینده سرانجام با «حکم قضایی» به نقطه علنی رسید؛ نتیجه‌ای دیرهنگام برای پرونده‌ای که سال‌ها زیر پوست نظام بانکی پیش رفت و به‌رغم هشدارهای کارشناسی، به‌جای مداخله به‌موقع نهاد ناظر، با ملاحظات سیاسی و شبکه‌ای، بزرگ‌تر و پرهزینه‌تر شد. اکنون با انتقال تعهدات به بانک ملی، پرسش اصلی این است: آیا نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، می‌خواهد از فروپاشی یک بانک مسئله‌دار، «درس حکمرانی» بگیرد یا صرفاً هزینه‌های یک ورشکستگی خصوصی را به دوش بودجه عمومی و اعتماد پولی کشور منتقل کند؟

## انحلال با فرمان قوه قضاییه و تصمیمی که نهایتاً سیاسی شد

روایت رسمی می‌گوید هیأت عالی بانک مرکزی تصمیم به انحلال و انتقال تعهدات بانک آینده گرفته است؛ اما «زمان» و «نحوه» تصمیم‌گیری، معنای اقتصادی این رویداد را سیاسی می‌کند. سال‌ها طول کشید تا پرونده آینده از مسیر بانک مرکزی به خط پایان برسد و در نهایت، «ولیتیماتوم» قوه قضاییه عامل تسریع اعلام و اجرای تصمیم شد. این یعنی ابزارهای انتظامی - نظارتی پولی، یا کفایت نداشتند یا اراده‌ای برای به‌کارگیری کامل آنها نبود. نتیجه تعلق چیست؟ انباشت زیان، جهش اضافه‌برداشت، جنگ سپرده و در نهایت، انتقال ریسک به کل اقتصاد.

«ادغام در بانک ملی» نیز اگر چه روی کاغذ تضمین سپرده‌گذاران را تسهیل می‌کند، اما بدون بسته شفاف جریان منابع، مکانیزم حسابرسی مستقل، و تعیین تکلیف حقوقی ذی‌نفعان، می‌تواند شوک نقدینگی و ریسک اعتباری را به بزرگ‌ترین بانک دولتی تزریق کند. معنای ساده این وضعیت نیز همین است که اگر صورت‌مسئله درست تعریف نشود، بحران حل نمی‌شود؛ فقط جابجایی می‌شود.

## بانک تات؛ خشت کج نخست و مدل

### حکمرانی شبکه‌ای

بانک تات را باید نخستین آزمایش میدانی «مدل انصاری» دانست؛ پروژه‌ای که با سر و صدا در هشتم هفتم هشتادوهشت (۱۳۸۸/۸/۸) افتتاح و در سال ۱۳۹۱ چراغش خاموش شد.

تخلفات بانک تات که همه به نام بانک علی انصاری می‌شناختند، اما در دو بخش اصلی رخ داد؛ تخلف در امور سپرده‌گذاری و سهامداران و طی نکردن مسیر قانونی تأسیس؛ به همین دلیل، مجوز فعالیت این بانک توسط شورای پول و اعتبار لغو و منحل شد.

روایت شکل‌گیری تات، به‌روشنی الگوی مسلط بر سال‌های بعد را نشان می‌دهد: سرمایه اولیه مسئله‌دار بود و مؤسسان تات متهم بودند سرمایه لازم را به‌طور کامل و نقدی ارائه نکرده‌اند؛ روایت‌ها از اعلام سرمایه‌ای در مقیاس «یک‌دهم حد قانونی» و عمدتاً مبتنی بر وثایق ملکی و نه پولی حکایت داشت.

یعنی از همان ابتدا، «بانک» با دارایی‌های غیرنقد و ارزیابی‌پذیر روی کاغذ، به میدان آمد. شبکه مدیران و مجوزگیری پرحاشیه یکی از بحران‌های دیگر بود. چنان که اساساً همراهی برخی مدیران باسابقه بانکی (از کشاورزی و صادرات) در راه‌اندازی تات، شائبه تضاد منافع و لابی‌گری برای تسهیل مسیر مجوز را تقویت کرد. به زبان ساده، نهاد ناظر به اندازه کافی ناظر نبود. در نهایت با بسته‌شدن تات، این بانک با مؤسسه‌های اعتباری صالحین و آتی ادغام شد و «بانک آینده» متولد شد؛ ادغامی که به‌جای پاک‌سازی و انحلال شفاف، «مسئله» را در

# رفتار متفاوت صداوسیما در برابر رفتار مجریانش



تلویزیون ایران در تلاش برای بازسازی رابطه خود با مخاطب، به نقطه‌ای رسیده است که گاه مرز میان خلاقیت و بی‌قاعدگی در رفتار برخی مجریانش محو می‌شود. علی درستکار، مجری و کارشناس با سابقه رسانه، در گفت‌وگو با خبرآنلاین از تغییر معیارهای انتخاب مجری، فراموشی ارزش‌های قدیمی و ضرورت بازخوانی مفهوم «استاندارد» در روزگار جدید گفت.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین در سال‌های اخیر، تلویزیون در تلاش برای بازگرداندن مخاطبان از دست‌رفته‌اش، دست به آزمون‌هایی زده که نه تنها نتیجه مطلوبی نداشته، بلکه گاه با واکنش‌های تند و انتقادات گسترده همراه بوده است. مجریانی که تا چند دهه پیش نماد وقار، ادب و دانش رسانه‌های محسوب می‌شدند، حال جای خود را به چهره‌هایی داده‌اند که بیشتر به دنبال جلب توجه، شوخی‌های لحظه‌ای و بازتولید فضای شبکه‌های اجتماعی در قالب تلویزیون‌اند. رفتارهای غیرمنتظره و عجیب و لحن نامتعارف برخی مجریان در ماه‌های اخیر، این پرسش را به میان می‌آورد که آیا «رسانه ملی» در مسیر تغییر استانداردهای خود گام برمی‌دارد یا صرفاً قربانی شتاب‌زدگی برای حفظ مخاطب شده است؟

برای بررسی این موضوع و واکاوی ریشه‌های این تغییرات، به سراغ علی درستکار، مجری و کارشناس با سابقه تلویزیون که این روزها در شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کند رفتیم.

## هر نسل ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایش را، خودبازتعریف می‌کند

درستکار در پاسخ به این پرسش که رفتارهای عجیب برخی مجریان، مخصوصاً در ماه‌های اخیر، مبتنی بر تغییر استانداردهای تلویزیون است یا خیر، گفت: «اصل ماجرا این است که استاندارد، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را چه کسی و چه نهاد رسمی می‌سازد؟ این که چه چیزی در یک جامعه به عنوان هنجار پذیرفته می‌شود و چه کسی آن را تعیین می‌کند، به فرهنگ، آداب و رسوم و مدیریت نهادهای رسمی مرتبط با این موضوع، برمی‌گردد. یکی از نهادهای اصلی اما خود مردم هستند؛ جمعیت و توده مردم می‌توانند با پذیرش یا رد یک رفتار، اعم از پندار، کردار، گفتار یا هر شکل دیگر، آن را تبدیل به هنجار یا ارزش کنند یا جلوی آن را در همان ابتدا بگیرند. حتی اگر آن رفتار تازه و نوپا، یک حکم دینی باشد؛ مثل حجاب که گفته می‌شود حکم خدا است و در کشور ما برای این بزرگواران خیلی مهم و حیاتی شده است.»

او با تأکید بر این که مسئله مهم دیگر گذشت زمان و تغییر نسل‌ها است، توضیح داد: «چه ما بپذیریم و چه نپذیریم، چه دوست داشته باشیم و چه نه، زمان می‌گذرد و نسل‌ها تغییر می‌کنند. ادب، آداب و ارزش‌ها نیز نو می‌شوند

و هم‌زمان، هنجارها، ناهنجاری‌ها، ارزش‌ها و مدارزش‌های نوین ظهور می‌کنند. در مواجهه با چنین پدیده‌های جدیدی، که من آن را مواجهه با سنت و مدرنیته نمی‌نامم لزوماً، بلکه تقابل قدیم و جدید می‌گویم؛ باید فارغ از ذهنیت‌ها و تعریف‌های رسوب کرده قبلی، با عملکرد مناسب و متناسب برخورد کرد. امروزه فاصله رویکرد قدیمی و جدید دیگر ۲۰ سال، ۵۰ سال یا ۱۰۰ سال نیست، گاهی یک سال یا دو سال هم اختلافات و تغییرات بین‌نسلی ایجاد می‌کند و برای همین برخورد والدین با فرزند اول و دوم هم باید فرق کند؛ چون فرزندان اول و دوم حتی با اختلاف کم سنی از زمین تا آسمان فرق دارند. پس نمی‌توان به این راحتی رفتارها را ارزش‌گذاری کرد و بر مدار سلیقه گفت دوست دارم یا ندارم؛ بلکه باید در مقام دوری در مواجهه با چنین پدیده‌های نوین، فارغ از ذهنیت‌ها و تفکرات رسوب کرده در ذهن‌مان عمل کنیم؛ و این، مهم است. حالا اگر هر کسی با این معیارها مسئله دارد بگوید که زشت چیست؟ بد چیست؟ زیبا چیست؟ خوب چیست؟ به نظر می‌رسد این‌ها مفاهیمی است که در هر دوره باید بازخوانی و دوباره بررسی شوند. بازخوانی نه به این معنا که لزوماً تغییر کند، به این معنا که یادآوری شود. شاید یکی از اسرار توصیه و تأکید اسلام به تذکر و یادآوری، یا پند و اندرز همین است. یادآوری نشود تا اگر مطابق شرایط زمانه نیست یا نیاز به تغییری هست ایجاد شود. آیا پیشوایان معصوم ما در ۲۵۰۰ سال زندگی خود همه یک‌طور بودند؟ بله؛ بر یک مبانی واحد بودند ولی آیا روینها در دوران هر کدام تغییر نمی‌کرد؟»

درستکار با اشاره به ضرورت رعایت چارچوب‌ها گفت: «یک مجری یا رسانه باید برای محصولات خود کارهایی انجام دهد که جذاب باشد و در عین حال، رفتارهایی که دفع یا آزار ایجاد می‌کند، انجام ندهد. همه اقدامات اما باید در چارچوب هنجارها و ارزش‌های متداول و متعارف آن عصر و زمان باشند.»

او با اشاره به بزرگان حوزه خود افزود: «شاید امروز اگر بزرگانی مانند استاد علی‌اکبر عالمی حضور داشتند؛ علاوه بر مخاطبان خاص، مخاطب روز هم داشتند که مطلوبیت مطبوع و پسند خود را در همراهی با استاد می‌یافتند؛ من در حال حاضر این تجربه را در اجرای برنامه «سپنج» دارم؛ برایم جالب است که در کنار مخاطبانی از نسل خودم و خاص، مخاطبان از نسل امروز هم جزو بینندگان هستند؛ اما نکته این است که چه قدر ممکن است همین گروه، «جوکر» را هم ببیند!» درستکار با بیان مثالی از زندگی روزمره تأکید کرد: «اگر کار درست در زمان و مکان درست انجام شود، درست است؛ و اگر همان کار درست در زمان یا مکان نامناسب انجام شود، می‌شود نادرست؛ پس اعمال عناصری برای ایجاد جذابیت بیش‌تر اگر درست باشد و به درستی صورت گیرد؛ نادرست و ناپسند نخواهد بود.»

روزگاری که هر کدام از مجریان دارای نماد و شاخصی مخصوص به خود بودند او در پاسخ به این مسئله که حتی نسل جدید با رفتار برخی مجریان آنتن زنده مشکل دارند و اصلاً برایشان جالب نیست، گفت: «من حقیقتاً نمی‌توانم درباره تلویزیون نظر بدهم، چرا که اساساً انگیزه‌های برای تماشای تلویزیون ندارم و حتی خبرها را هم دنبال نمی‌کنم. طوری که در حال حاضر نمی‌توانم از سه مجری فعلی نام ببرم. این

نکته را هم باید بگویم که از این‌جا به بعد ممکن است برخی صحبت‌هایم در تضاد با توضیحاتی باشد که ابتدا دادم. چون ابتدا کلی نظر دادم و الان ممکن است با نظر به جزئیات بیش‌تر و بر مدار سلیقه‌ام وارد بحث شوم.»

درستکار با اشاره به تجربه‌های شخصی افزود: «تا‌نگی، یک بار کنار یک جوان دهه هفتادی، پای تلویزیون نشسته بودم که از من پرسید چرا تلویزیون مجری ندارد؟! من پاسخ دادم که مجری‌های متنوع و متعددی هستند، حتی بسیاری از افراد جدید آمده‌اند و در حال فعالیتند. گفت نه چرا «مجری» ندارد؟! از آن زمان دارم به این نکته فکر می‌کنم که بلی؛ مجری با تعریفی سازگار با استانداردهایی حرفه‌ای و فنی را می‌گفته؛ آیا داریم؟ چه اندازه؟!»

او با تأکید بر تاریخچه و استانداردهای گذشته گفت: «در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰، مجریان و شخصیت‌هایی روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌شدند که هر کدام دارای نماد و شاخصی مخصوص به خود بودند. مثلاً آقای رضا معینی که خوش پوشی و ادب او الگو بود؛ مرحوم کمال‌الحق سلامی که از نظر ادبیات و سخنوری برجسته بود؛ یا استاد علی‌اکبر عالمی که در حوزه سینما و هنر توان‌مند و غنی بودند. هر مجری، ویژگی‌های منحصر به فردی داشت که باعث می‌شد بیننده آن ویژگی شاخص را از او یاد بگیرد؛ یعنی مخاطب با خودش می‌گفت، این مجری را از میان میلیون‌ها نفر شایسته دانسته‌اند که در قاب تلویزیون در طاقچه چشم مخاطب نشانند! درست مانند این که شما در خانه یا محل کارتان، میلیون‌ها چیز می‌بینید ولی یک یا دو مورد را انتخاب می‌کنید که قباب بگیرید. زمانی که چهره‌ای برای اجرا انتخاب می‌شود یعنی از میان میلیون‌ها انسان توانمند و غیرتوانمند دیگر در نظر گرفته شده و نکته برجسته این‌جاست که این قدر شایسته بوده است که باید برای مخاطب، قاب گرفته شود و مقابل دیدگانش قرار داده شود؛ به این دلیل که ادب و آدابش درست است، تیزهوش است، سرعت انتقال ذهنی او بالاست، حضور ذهن برتری دارد یا هر ویژگی لازم دیگر؛ حتی در دورانی مجری‌ها و آرسی‌های شخصیتی می‌شدند؛ یعنی خانه و خانواده‌شان کاملاً بررسی می‌شد.»

## حتی در غرب هم مجریان هرکاری دلشان می‌خواهند نمی‌کنند

درستکار با تأکید بر اهمیت شایستگی و ارزیابی دقیق و جامع مجری‌ها گفت: «حتی در دنیای غرب هم همین‌طور است. این‌طور نیست که در آن‌جا هم هر کسی دلش خواست مجری شود بشود و بعد هر کاری دلش خواست بکند، خیر، رفتارشان زیر ذره‌بین است، هرچند ممکن است نوع استانداردها فرق کند ولی آن‌ها هم حق ندارند هر لباسی را بپوشند، در هر مراسمی شرکت کنند و هر کاری دلشان خواست انجام دهند. حتی در رسانه‌های موفق و پیش‌تاز جهان مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی، چنین استانداردهایی رعایت می‌شود و رفتار مجری‌ها زیر ذره‌بین است و در صورت لزوم برخورد می‌شود.» او ادامه داد: «در کشور ما رسانه در برابر رفتارهایی از سوی مجریان گاهی از سوراخ سوزن می‌گذرد، اما گاهی‌ای از در دروازه نه! گاهی یک مجری به دلیل حمایت از یک شخصیت بنیادین نظام طرد می‌شود و برخی با این‌که به برخی از همان شخصیت‌ها نه ایمان و باور دارند نه به برخی

از اصول اما مصونیت دارند! نمی‌دانم استاندارد کدام است!» رادیو و تلویزیون مهم‌ترین نهاد فرهنگی کشور است، حتی مهم‌تر از برخی نهادها مثل نهاد رهبری؛ چرا که اثرگذاری آن در جامعه گاهی از خود رهبری هم بالاتر است. درواقع رهبری از آن کمک می‌گیرد تا مقصود خود را به مردم برساند درستکار در ادامه با اشاره به اهمیت گفت‌وگو و تفاهم بین طرف‌های مختلف و دارندگان دیدگاه‌های گوناگون حرفه‌ای در این زمینه گفت: «موضوع اصلی این است که ما با هم حرف نمی‌زنیم! ما باید بنشینیم و با هم زیاد حرف بزنیم! تاکیدی می‌کنم: نه کم؛ بلکه زیاد حرف بزنیم! مثلاً فلان مدیر نگوید من تا به حال سه بار جلسه با مجریان داشته‌ام! سه بار کافی نیست؛ باید پیوسته جلسات برگزار شود؛ جلساتی بین‌نسلی باید برگزار شود. یعنی استاد عبدالرشیدی و استاد کاردان و استاد رضوی و استاد نوری و استاد میرفخرایی که الحمدلله در میان ما تشریف دارند باید در این جلسات حضور پیدا کنند، دوستان نوپا هم باشند، مدیران هم حضور داشته باشند، همه بنشینند، گوش کنند، پنج ساعت صحبت کنند و معیارها و نگاه‌ها بیان شود و آن قدر زمان صرف شود تا نگاه و فهم طرف‌ها به هم نزدیک شوند. در این جلسات باید مخاطبانی از تهران و شهرستان‌ها هم حضور داشته باشند تا دیدگاه‌های متفاوت بینندگان هم شنیده شود.»

درستکار با اشاره به تجربه‌های پیشین ادامه داد: «ما تاکنون چند جلسه حرفه‌ای تلویزیونی یا سیاست‌گذاری برای تلویزیون داشتیم که با مشارکت مخاطب بوده است؛ در این‌جا این پرسش پیش می‌آید که اساساً دریافت نظر مخاطب چگونه انجام می‌شود؟ تحلیل محتوا و نظر مخاطب را چه کسی انجام می‌دهد؟ آیا درست انجام می‌شود؟ بر مدار کدام استاندارد؟ آیا هنگامی که از مردم می‌پرسید تلویزیون می‌بیند یا نه از بینایی آنان می‌پرسید؟ از مردم می‌پرسند تلویزیون می‌بیند می‌گویند بله می‌بینم ولی اگر یک سوال درباره محتوای یکی از برنامه‌ها بپرسید آیا جوابی دارند؟ خب خیلی چیزهای دیگر را هم می‌بیند ولی دیدن با تماشای فرق دارد. اگر مخاطب می‌گوید برنامه‌ای را دیده باید درباره برنامه از او سوال شود تا معلوم شود آیا واقعا برنامه را دیده و درک کرده است؟»

او با تأکید بر اهمیت شفافیت و استاندارد بودن نظرسنجی‌ها گفت: «نظرسنجی‌ها باید دقیق و صحیح باشند، نه سطحی یا محدود. می‌گویند نمی‌شود هر هفته صرفاً تحقیقات انجام داد. چرا نمی‌شود؟ رادیو و تلویزیون کشور اگر نتواند کار درستی را به بهترین شکل انجام دهد، چه نهادی می‌تواند این‌کار را انجام دهد؟ رادیو و تلویزیون مهم‌ترین نهاد فرهنگی کشور است، حتی مهم‌تر از برخی نهادها مثل نهاد رهبری؛ چرا که اثرگذاری آن در جامعه گاهی از خود رهبری هم بالاتر است. درواقع رهبری از آن کمک می‌گیرد تا مقصود خود را به مردم برساند. منظوم رسانه یعنی همان ابزاری که به دست مدیران و فعالان آن داده شده تا مردم را بیاگاهانند؛ یعنی مهم‌ترین نهاد ارتباطی بشر امروز.»

او در ادامه درباره اعمال سلیقه‌ها توضیح داد: «این اعمال سلیقه در انتخاب‌ها حتماً وجود دارد. حتماً سلیقه افراد اثر دارد. مثلاً منع یا جواز آستین کوتاه و موی بسته برای مردان، چادر یا

ماتو، روسری یا هدبند برای دختران و زنان براساس سلیقه تصمیم‌گیری می‌شود؛ این که یک شبکه تا چه حد آزاد باشد، پوشش و رفتار مجریان آن چه‌گونه باشد، در اخبار و در سایر برنامه‌ها چه‌گونه تنظیم شود، العالم چه‌طور باشد و پرس تی‌وی چه‌طور و حاصل آن چنین شود که مثلاً شش‌طور رفتار متنوع در یک رسانه و یک سازمان رسانه‌ای وجود داشته باشد؛ همه تحت تأثیر مصالحی است که بخشی از آن‌ها را سلیقه شکل داده است. اما درستی یا نادرستی آن برمی‌گردد به همان نکاتی که اول گفته‌ام؛ برمی‌گردد به این که معلوم باشد معیارها را چه کسی و چه نهادی وضع کرده و آیا معیارها، خوشایند یک مرجع رسمی است یا خوشایند مخاطب عام یا تلفیقی از هر دو؟»

او با اشاره به شکل‌نگرفتن تعامل درست بین نسل‌ها گفت: «از زمانی که رهبری تأکید کردند جوان‌ترها در پست‌ها درگیر شوند، یک چالشی که ایجاد شد این بود که برخی پیرترها کنار گذاشته شدند و جوان‌ترها بدون تعامل با آن‌ها شروع به کار کردند. هیچ عقل سلیمی قائل به این نیست که پیرها کنار گذاشته شوند و کسی کاری به کارشان نداشته باشد. هیچ عاقلی نمی‌گوید پیرها نباید کاری به کار جوان‌ترها داشته باشند. اگر این‌طور باشد خود شخص رهبری هم جوان نیستند، باید کنار گذاشته شوند؛ ده شخصیت دیگر در جهان هم همین‌طور هستند، ولی می‌بینیم که در کار هستند و خوب هم کار می‌کنند. پیران باید حضور داشته باشند، تجربه و خرد آن‌ها باید در قالبی متناسب با نسل امروز به کار گرفته شود و جوان‌گرایی در رسانه هم قطعاً بر مبنای مشورت و بهره‌مندی از تجارب و فهم پیران فهمیده و مجرب باید صورت بگیرد تا انتقال تجربیات و فنون کار حرفه‌ای تدریجی و درست صورت گیرد.»

درستکار با تأکید بر همگرایی و مسئولیت مدیران گفت: «در زمان تهیه گزارش‌هایی در مورد مسائل این‌چنینی همه ما، هر که هستیم، باید از دامن‌زدن به التهاب و واگرایی پرهیز کنیم و در همگرایی بکوشیم. برخورد نظرات متفاوت مبارک است و برکات خود را دارد، اما عداوت نباید وجود داشته باشد. اگر کسی قرار است از تلویزیون ناراحت باشد، من هستم؛ با این حال این را درک می‌کنم که مدیران، وقتی بر صندلی مدیریت می‌نشینند، هزار و یک اقتضای دیگر غیر از رفاهت‌ها و سلیقه‌ها آن‌ها را احاطه و وادار می‌کند که نامتناسب با انتظار رسمی، رفتاری نداشته باشند.»

**خوشحالی مردم بالندگی جامعه است**  
علی درستکار در پایان گفت: «با این حال، مدیران در سطوح مختلف باید حال مردم را درک کنند؛ نباید از یاد ببرند که خوشحالی مردم، بالندگی جامعه را می‌سازد؛ چو شادای بکاهد؛ بکاهد خرد! این خوشحالی و بالندگی، مأموریت اول حاکمیت در همه سطوح در شرایط امروز ما است. حتی یک شهروند هم مسئول است که رفتارشان منجر به خوشحالی دیگران شود. البته خوشحالی نه به هر قیمت؛ بلکه براساس هنجارها و ارزش‌های معتبر و مورد توافق جامعه. امید که آن چه عرض شد را از زبان فرزندی از ایران که عمری را در خدمت به کشور گذرانده و حالا برای بهبود شرایط و انجام بهتر کار در گوشه‌ای از رسانه پیشکش می‌کند بشنویم و در کنار همه آن چه می‌دانیم و می‌دانند در کار گرفته شود.»

## مناقصه

سازمان همیاری شهرداریهای خراسان رضوی در نظر دارد با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس [setadiran.ir](http://setadiran.ir) نسبت به برگزاری مناقصه یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی خرید، ساخت و نصب چهار دستگاه کاربری مکانیزه حمل زباله جهت نصب بر روی کامیونت شش تن دیما دیزل مطابق جزئیات مندرج در اسناد و طی شماره مناقصه سیستمی ۱۰۰۰۰۱۱۵۸۰۰۰۰۱۰ اقدام نماید.

**تاریخ انتشار در سایت** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ ساعت ۰۸:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ ساعت ۱۵:۰۰

**مهلت دریافت اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ ساعت: ۰۸:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ ساعت ۱۵:۰۰

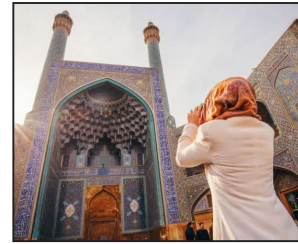
**مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ** ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ ساعت ۰۸:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ ساعت ۱۵:۰۰



سازمان همیاری شهرداریهای خراسان رضوی

**زمان بازگشایی:** تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰  
برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد( در صورت وجود هزینه مربوطه) پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از برنده بودن مناقصه گران محترم از این طریق امکان پذیر میباشد جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس ۰۵۱۳۸۷۹۵۳۱۰ داخلی ۴۶۲ تماس حاصل فرمایید.

## ورود ۳.۵ میلیون گردشگر خارجی به ایران



وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: در نیمه نخست امسال سه میلیون و ۵۵۰ هزار گردشگر خارجی وارد ایران شدند که این رقم در مقایسه با پارسل ۱۴ درصد کاهش داشته است.

به گزارش ایرنا انوشیروان محسنی بندپی در حاشیه دومین نشست دیپلماسی استانی در گفت و گو با خبرنگاران در مشهد افزود: روند ورود گردشگران به کشور در سال جاری با رشد خوبی آغاز شد چنانچه فروردین ماه آمار ورودی ۴۸ درصد افزایش یافت اما پس از حمله رژیم صهیونیستی و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با کاهش آمارها در این حوزه مواجه شدیم. وی گفت: بیش از ۵۱ درصد از گردشگران کشور مذهبی هستند که به ترتیب از کشورهای عراق، افغانستان و پاکستان راهی ایران و بویژه مشهد می شوند.

معاون وزیر گردشگری گفت: علاوه بر زیارت پیگیری سلامت و گردشگری را به مقاصد دیگر گردشگران خارجی کشورهای منطقه در سفر به ایران اضافه کنیم. محسنی بندپی افزود: باید شرایط حضور و خدمات به گردشگران خارجی را ارتقاء دهیم که در این راستا روان سازی تردد در مرز، تبدیل ارز در مراکز گردشگری، افزایش پروازهای مستقیم و دیگر تسهیلات مرزی از آن جمله ضرورت هاست.

وزیر امور خارجه گفت: توجه و بحث فعالان بخش خصوصی تحریم‌های خارجی نیست بلکه می‌خواهند تحریم‌ها داخلی و برخی سختگیری‌ها و رویه‌های نامناسب در تعاملات اقتصادی برطرف و فرآیندها تسهیل شود.

به گزارش ایرنا سید عباس عراقچی در اختتامیه دومین نشست دیپلماسی استانی در مشهد با تأکید مجدد بر اینکه نقاط ضعف ما در فشار خارجی و تحریم نیست هر چند آنها هم آسیب و هزینه خود را دارد، افزود: مهم‌ترین نکته این است که از ظرفیت‌های داخل کشور به اندازه کافی استفاده نکرده‌ایم.

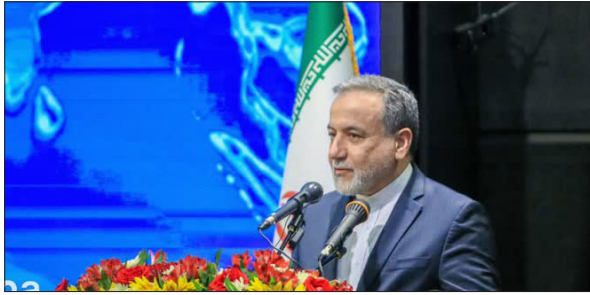
وی افزود: زمانی می‌توانیم از تحریم‌ها شکایت کنیم که از ظرفیت‌های داخلی به صورت کامل استفاده کرده باشیم.

وی ادامه داد: وقتی می‌توان با روانسازی قوانین و آسان نمودن آیین‌نامه‌ها و ایجاد تسهیل برای فعالان تجاری، همکاری‌های اقتصادی را گسترش داد و ارزش بیشتری و کالای بیشتری صادر و اشتغال بیشتری ایجاد کرد، باید از همه این ظرفیت‌ها استفاده کنیم و منتظر برداشتن تحریم‌ها نباشیم.

وی تأکید کرد: از اینرو باید قوانین و سختگیری‌های داخلی را اصلاح و گمرکات را از محل توقف به محل عبور تبدیل کنیم. ظرفیت‌هایی که در محیط پیرامونی کشور ما قرار دارد بسیار عظیم است. وزیر امور خارجه گفت: در مباحثی که

## بخش خصوصی در نشست منطقه‌ای دیپلماسی استانی درخواست کرد:

# رفع تحریم‌های داخلی



در نشست‌های این همایش مطرح شد هیچ اشاره‌ای به تحریم‌ها و یا اسناب بک نبوده، این نشان می‌دهد که بخش خصوصی و دولت به این نتیجه رسیده‌اند که باید از ظرفیت‌های خود و داخل کشور استفاده مناسب کنیم به عبارتی از ظرفیت‌های داخلی بهره کامل برده نشده است. وی تصریح کرد: البته به این معنا نیست که ما به ماموریت خود برای برداشتن تحریم‌ها عمل نخواهیم کرد بلکه در کنار این ماموریت به دنبال بی‌اثر کردن و خنثی نمودن تحریم‌ها و برآوردن نیازهای کشور هستیم که مجموعه دولت و وزارت خارجه هر کدام در این راستا وظایفی بر عهده دارند.

وی افزود: با این حال کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت کشورهای همسایه در توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی استفاده شده است.

عراقچی به ظرفیت بالای تولید گوشت و دیگر محصولات در کشورهای منطقه

اشاره کرد و گفت: با وجود این قابلیت در مرزها و کشورهای همجوارمان، از آن سوی دنیا گوشت وارد می‌کنیم.

وی ادامه داد: تجارت رسمی ایران با افغانستان از کل تجارت با کشورهای اروپایی بیشتر است و همچنان ظرفیت‌های زیادی برای همکاری با همسایه‌های شرقی‌مان چون افغانستان و پاکستان وجود دارد.

وزیر امور خارجه گفت: در راستای توسعه ظرفیت‌های تجاری با کشورهای دیگر حمایت از بخش خصوصی را وظیفه وزارت خارجه می‌دانیم و در این راستا تلاش می‌کنیم.

عراقچی افزود: ما معتقدیم ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشورهای همسایه و استان‌ها وجود دارد و به یک دیپلماسی استانی نیاز داریم تا ظرفیت‌ها را به هم متصل نمایم.

وی ادامه داد: همچنین این دیپلماسی استانی، ارتباطات را تسهیل می‌کند و

در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۱۱۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۹۳- اصلی بخش ۷ شهرستان چناران استان خراسان رضوی از محل مالکیت آقای محمدولی حاجی ولی زاده تأیید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ م.الف/۴۹۲

**سید محمدباقر حسینی جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک چناران**

**۱۱/۶ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک گناباد**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. ۱- نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۳۰۰۲۴۵۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات متقاضی خاتم زهر باقری فرزند باقر در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۳۶/۸۷ متر مربع از پلاک شماره ۶۵۴۸ فرعی از ۱- اصلی واقع در اراضی علی آباد بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده مع

الواسطه از آقای محمد نوزری مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و گواهی تقدیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبتی متوکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ م.الف/۵۸۹

**سید ضیاء الدین مهدوی شهری - رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد**

و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۲۰۹۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد ولی حاجی ولی زاده فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۲ صادره از

در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۹۳- اصلی بخش ۷ شهرستان چناران استان خراسان رضوی از محل مالکیت آقای محمدولی حاجی ولی زاده تأیید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ م.الف/۴۹۰

**سید محمدباقر حسینی جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک چناران**

**۱۱/۴ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۲۰۹۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد ولی حاجی ولی زاده فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۲ صادره از

در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۷۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۹۳- اصلی بخش ۷ شهرستان چناران استان خراسان رضوی از محل مالکیت آقای محمدولی حاجی ولی زاده تأیید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ م.الف/۴۹۱

**سید محمدباقر حسینی جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک چناران**

**۱۱/۵ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۲۰۹۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد ولی حاجی ولی زاده فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۲ صادره از

**۱۱/۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای اصلاحی ۱۵۸۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن رخشنده فرزند حسین به شماره ملی ۰۸۵۹۷۶۵۸۹۱ صادره از دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۶۹ متر مربع پلاک ۱۰۸۲ فرعی از ۴- اصلی از محل مالکیت آقای حمیدرضا جمعه زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ م.الف/۴۸۷

**سید محمدباقر حسینی جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک چناران**

**۱۱/۲ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۲۰۸۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدولی حاجی ولی زاده فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۲ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۰۳۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۹۳- اصلی بخش ۷ شهرستان چناران استان خراسان رضوی از محل مالکیت رسمی آقای محمد ولی حاجی ولی زاده تأیید محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ م.الف/۴۸۹

**سید محمدباقر حسینی جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک چناران**

**۱۱/۳ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی**

**اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران**

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۲۰۹۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد ولی حاجی ولی زاده فرزند حیدر به شماره شناسنامه ۲ صادره از



## آمار عجیب طلاق ۶ ماه گذشته در این سه استان

طبق اعلام سازمان ثبت احوال کشور، در کرج، تهران و مازندران از هر ۲ ازدواج یکی به طلاق ختم شده است. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از فراور، طبق اعلام سازمان

ثبت احوال کشور، در کرج، تهران و مازندران از هر ۲ ازدواج یکی به طلاق ختم شده است.

## رودخانه‌خواری یا توسعه گردشگری؟

# آقای پزشک‌یان! وعده‌های محیط‌زیستی چه شد؟



یک استاد دانشگاه می‌گوید: «رودخانه یک محیط پویا و بستر آن مرتب در حال تغییر است. ایجاد تأسیسات گردشگری در ساحل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ضمن به هم زدن مسیر و بستر، زمینه رخداد حوادثی مانند سیل‌های ۱۳۸۸ قم و ۱۳۹۸ شیراز را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین نکات که در گزارش «کمیته ملی سیلاب‌ها» آمده است، جلوگیری از ساخت‌وساز در اطراف پیکره‌های آبی است.»

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران اخیراً هیئت دولت مصوبه‌ای جنجالی را به تصویب رساند که بر اساس آن، ساخت‌وساز تأسیسات گردشگری در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌های سددها و سواحل مجاز اعلام شد. این تصمیم که اخیراً از سوی سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری، با افتخار به‌عنوان گامی بی‌سابقه در هفتاد سال اخیر معرفی شد، واکنش‌های تند و انتقادات گسترده‌ای را از سوی کارشناسان و کنشگران محیط‌زیست به دنبال داشته است.

عباس محمدی، کنشگر محیط‌زیست و مدیر انجمن دیده‌بان کوهستان، و دکتر حسین آخانی، استاد دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرنگاران، این مصوبه را فاجعه‌بار و مغایر با قوانین زیست‌محیطی و منافع ملی توصیف کرده‌اند.

### نقد مصوبه: واگذاری پهنه‌های آبی یا توسعه گردشگری؟

عباس محمدی با انتقاد شدید از این مصوبه، آن را به مثابه واگذاری پهنه‌های آبی کشور به افراد خاص، تحت عنوان توسعه گردشگری می‌داند و معتقد است توسعه گردشگری واقعی نیازمند جذب گردشگران خارجی است.

او می‌گوید: «این مصوبه صرفاً پهنه‌های برای خارج کردن اراضی عمومی از مالکیت مردم و واگذاری آن به افراد نزدیک به قدرت است. همه ما می‌دانیم داستان «توسعه گردشگری»، اسم رمزی برای واگذاری منابع است. تراز گردشگری ما منفی است، زیرا سرمایه‌ای که از کشور بابت گردشگری خارج می‌شود، بسیار بیشتر از ورودی آن است. اگر هدف دولت توسعه گردشگری بود، باید ابتدا زیرساخت‌های لازم برای جذب گردشگر خارجی فراهم می‌شد، نه اینکه با ساخت‌وساز در حریم پهنه‌های آبی، منابع طبیعی کشور به خطر بیفتد.» در همین راستا، دکتر حسین آخانی، استاد دانشگاه تهران، نیز ضمن انتقاد از این مصوبه، به خبرنگاران می‌گوید: «وزیر محترم میراث فرهنگی و گردشگری در یک گفت‌وگو تکان‌دهنده اعلام کرده که هیچ‌گونه محدودیتی برای اجرای طرح‌های گردشگری در اطراف کلیه پیکره‌های آبی داخلی - از رودخانه

گرفته تا سد و بند و دریاچه - وجود ندارد. ایشان با افتخار اعلام می‌کند که این فرمان بعد از ۷۰ سال ممنوعیت صادر شده است. ایشان به سادگی با نادیده گرفتن همه قوانین بالادستی ناظر بر حفظ حریم رودخانه‌ها خبر از مصوبه‌ای می‌دهد که به یک کلام فاجعه است. ایشان تأکید کردند که این دستور آقای رئیس‌جمهور، قانون و لازم‌الاجراست.»

آخانی همچنین معتقد است که اگر این تصمیم توسط دولتی غیراصلاح‌طلب گرفته می‌شد، رسانه‌ها بر خورد بسیار سخت‌تری با آن می‌کردند.

### تبعات زیست‌محیطی / پروژه‌های گردشگری، تهدیدی برای حیات پهنه‌های آبی

محمدی با اشاره به تلاش‌های پیشین وزارت نیرو برای سبند زدن رودخانه‌ها به نام خود، در جریان طرح کاداستر یا حدنگاری سفت‌وسخت، این اقدام را غیرعلمی و مغایر با قوانین منابع طبیعی می‌داند. او توضیح می‌دهد: «سبند زدن رودخانه‌ها به معنای مالکیت بخشیدن به چیزی است که اساساً نمی‌تواند مالک داشته باشد، زیرا دارای بین‌نسلی و متعلق به همه مردم است. رودخانه‌ها بخشی از عرصه‌های طبیعی هستند و ماهیت پویای آن‌ها باعث می‌شود که بسترشان در زمان سیل یا حتی در طول یک سال تغییر کند و اگر تأسیسات در کنار رودخانه ساخته شود، خواه ناخواه، آلودگی آب ایجاد می‌شود.»

این فعال محیط‌زیستی همچنین به رد این طرح (صدور سند رودخانه‌ها به نام وزارت نیرو) توسط شورای نگهبان اشاره می‌کند و معتقد است

که مصوبه جدید دولت، تلاشی دیگر برای تحقق همان نیت با ظاهری متفاوت است. آخانی نیز تبعات زیست‌محیطی این مصوبه را بسیار خطرناک توصیف کرده و می‌گوید: «دستورهای اشتباه، عیولانه و نابخردانه قبلی تمامی رودخانه‌های کشور را با بحران مواجه کرده است. با این فرمان، آیا آمیدی به سالم ماندن حتی یک لکه آبی در کشور خواهد بود؟»

رودخانه یک محیط پویا و بستر آن مرتب در حال تغییر است. ایجاد تأسیسات گردشگری در ساحل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ضمن به هم زدن مسیر و بستر، زمینه رخداد حوادثی مانند سیل‌های ۱۳۸۸ قم و ۱۳۹۸ شیراز را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین نکات که در گزارش «کمیته ملی سیلاب‌ها» آمده است، جلوگیری از ساخت‌وساز در اطراف پیکره‌های آبی است.

ایجاد هرگونه بارگذاری، مانند طرح‌های گردشگری چه به شکل هتل، چه به شکل پارک‌های آبی و پارک بازی، بار فاضلابی رودخانه‌های کشور را به شدت افزایش می‌دهد. از طرفی، ورود گردشگر و اجرای پروژه‌های گردشگری همیشه با ورود گونه‌های مهاجم، افزایش آسیب و بهره‌برداری از آبزیان، تخریب زیستگاه، ورود زباله و تهدیدهای دیگری همراه است که عاقبتش تبدیل محیط‌های آبی به باتلاق‌های مرده و متعفن و یا خشکی آنهاست.»

### ناامیدی از دولت

محمدی با اشاره به شعارهای محیط‌زیستی رئیس‌جمهوری دولت چهاردهم می‌گوید: «این

مصوبه یکی از مخرب‌ترین تصمیمات دولت است که با عنوان فریبنده گردشگری پیش می‌رود. آقای پزشک‌یان که با وعده‌های محیط‌زیستی و اجتماعی سر کار آمد، برخلاف آنچه که گفت، رفتار می‌کند و این سبب ناامیدی گسترده‌ای در طیفی که به او رأی دادند، مثل خود من، شده است. سؤال من از رئیس‌جمهوری این است که آیا آن وعده‌های محیط‌زیستی فراموش شد؟ یا چندان در اولویت نیست؟

ماجرای این قرار است که معمولاً توافقاتی در پشت‌پرده صورت می‌گیرد و برای اینکه صورت قانونی به آن بدهند، یک مصوبه یا قانون در کنارش می‌گذارند. در خصوص این مصوبه هم ذات کار غیرقانونی و غیراصولی است، حتی اگر تبدیل به قانون شود.»

آخانی هم با اشاره به وعده‌های انتخاباتی پزشک‌یان، عنوان می‌کند: «بک رئیس‌جمهور بایستی در مقابل فشارها بتواند صبوری کند، اندیشه و مطالعه و مشاوره را مشق کند، نه اینکه هروقت فرد یا گروهی آمدند و او را تحریک کردند، فرمان به موافقت بدهد. آقای پزشک‌یان، شما شعارتان در زمان انتخابات کار کارشناسی بوده است. ما آمیدیم و به شما رأی دادیم، فکر نمی‌کردیم که تحریک‌ها نه‌تنها برداشته نشود که کلیه تحریک‌های سازمان ملل هم برگردند. حالا حکمی می‌دهید که همین کاسبان تحریم به اسم این آب و خاک را به اسم گردشگری هم نابود کنند. قبل از آنکه دیر شود این مصوبه را باطل کنید.»

### ۱۱/۱۱ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخت‌مانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۰۸۷۲۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض زهرا مظهری به ش ش ۵۰ و شماره ملی ۰۰۵۱۳۰۰۴۴ صادره از تهران فرزند حمزه در از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۸۷۸ فرعی از ۴۷۸ باقیمانده اصلی واقع در بخش ۳ سبزووار مع الواسطه از محل مالکیت رسمی اصغر نوده محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۴۷۶ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

### رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار - علی آب باریکی

### ۱۱/۱۲ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخت‌مانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۰۸۰۹۸ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض حسن صحرانی ثقیه فرزند نعمت اله و عدرا جلیلی فرزند محمد بالمنافسه شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۰/۴۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۵۱ فرعی و پلاک ۲۳۱۳۱ فرعی (که جهت پلاک ۱۴۵۲ فرعی باقیمانده ۶۱۳۷ جمعیتی منظور شده است) و از محل مالکیت رسمی محمدتقی مهرداد وفاطمه ترکمن نژاد سبزواری و نسبت به پلاک ۲۳۱۳۱ فرعی مع الواسطه از محل مالکیت رسمی احمد رازقندی و نسبت به پلاک ۲۰۲۵۵ فرعی مع الواسطه از محل مالکیت رسمی محمدتقی مهرداد وفاطمه ترکمن نژاد سبزواری محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۲۳۴ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

### رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار - علی آب باریکی

### ۱۱/۱۳ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخت‌مانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۰۸۵۳۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض اعظم کرابی به ش ش ۱۳ و شماره ملی ۰۰۷۸۰۰۸۵۲۱۳ صادره از سبزووار فرزند رضائعلی دریک و نیم دانگ مشاع از از شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۰۲۱/۳۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۹۷۱ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزووار مع الواسطه از محل مالکیت رسمی ربابه کرابی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۴۷۸ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

### رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار - علی آب باریکی

### ۱۱/۱۴ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخت‌مانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۰۸۳۱۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض سید جمال آبادی میرعلی به ش ش ۱۷ و شماره ملی ۰۰۷۹۲۵۳۵۳۹۵ صادره از سبزووار فرزند سیدمرتضی از شش‌دانگ اعیناتی یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۱۳/۹۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۴ فرعی از ۱۶۳۴ اصلی واقع در بخش یک سبزووار بلاواسطه از محل مالکیت موقوفه میرزا ابراهیم کوه میثس محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۴۷۷ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

### رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار - علی آب باریکی

### ۱۱/۱۵ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخت‌مانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۰۶۰۲۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض سعید سعیدی صابر به ش ش ۴۲۶ و شماره ملی ۰۰۷۸۰۰۰۴۲۲۶ صادره از سبزووار فرزند محمدرضا از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸۴ فرعی از ۲۹ اصلی واقع در بخش سه سبزووار بلاواسطه از محل مالکیت خودش محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۴۸۰ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

### رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار - علی آب باریکی

### ۱۱/۱۶ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۱۰۰۵۱۸ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۰۶ هیات اول کلاسسه ۱۳۴۳-۱۴۰۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حمیدرضا حسین پور به شناسنامه شماره ۳۲ کد ملی ۰۰۲۲۶۱۶۰۹۰۲۲۶۱۶۰ صادره فرزند حسن در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۹۰۳/۹۱ متر مربع، پلاک ثبتی ۶۰ اصلی واقع در بخش ۳ حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی آقای احمد حجابی کجفنه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ مالف ۵۱۱

### احمد جهانگیر - رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

